

بررسی ماهیت، قلمرو اختیارات داوران و موقعیت آرای داور

محبوبه راه وار

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، داور دعاوی حقوقی و مدرس دانشگاه

چکیده

نهاد داور در کنار رسیدگی‌های قضایی، روشی برای حل اختلافات اشخاص می‌باشد، که به دلیل سرعت و تخصصی بودن آن اشخاص ترجیح می‌دهند برای حل و فصل دعاوی خویش، نهاد داور را انتخاب کنند. هرچند که داور نوعی قضاوت خصوصی است، اما اینکه نتیجه داور محصول فرایندی بی‌طرفانه باشد، دارای اهمیت است. در این مقاله ابتدا به بررسی مفاهیم می‌پردازیم و داور و پیشینه آن را بیان می‌کند و در ادامه نیز به بررسی ماهیت آن اختصاص دارد. نتیجه ضمن این مقاله اینکه تاریخچه داور در ادوار و عرصه‌های مختلف نشان از توسعه قضایی افکار عمومی داشته است و داور در واقع در عرض سیستم دولتی عمل می‌کند ولی یک سیستم خصوصی می‌باشد (صحرائی ده‌مجنونی و فلاح، ۱۳۹۶). نتایج و یافته‌ها نشانگر این است که همسانی و شباهت قوانین داور داخلی با مقررات داور بین‌المللی، موجب به حداقل رسیدن اختلافات و افزایش رغبت بازرگانان به حل و فصل امور از طریق داور گردیده است.

واژه‌های کلیدی: داور، قضاوت خصوصی، حل اختلاف، قضاوت خصوصی

مقدمه

با توجه به اینکه یکی از مشکلات موجود در نظام حقوقی کشور ما ایران، افزایش روزانه طرح دعاوی، بالأخص دعاوی حقوقی و خانوادگی باعث افزایش تعداد پرونده‌های ورودی به دادگستری‌های سراسر کشور گردیده است. که به نظر می‌رسد عوامل متعددی در این افزایش حجم ورودی تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم داشته باشند. مانند ساختار قضایی، وجود قوانین موضوعه یا حتی نقش مقام قضایی رسیدگی‌کننده و حتی در کنار آن نقش کارمندان دستگاه قضایی که همگی این‌ها می‌تواند باعث افزایش طرح دعاوی یا بالا رفتن حجم پرونده‌ها گردند. بنابراین در این تحقیق درصدد آن هستیم تا بتوانیم راه‌حلی برای کاهش دعاوی مطروحه با استفاده از راه‌های مختلف یا حتی مراجع مختلف که در کنار مرجع دادگستری وجود دارند بیابیم از بهترین روش‌های از بین بردن اختلافات بین مردم می‌توان به مصالحه و حتی سازش از طریق مراجع داوری اشاره کرد که این امر شیوه‌های مختلفی دارند مثلاً می‌تواند به صورت آزادانه و با میل و رضایت قلبی طرفین باشد یا این‌که افراد در زمان بروز اختلاف، افرادی را که دارای علم و دانش حقوقی به صورت تخصصی می‌باشند به عنوان داور انتخاب نموده تا به موضوع اختلاف آن‌ها رسیدگی و بهترین راه‌حل را به آن‌ها ارائه دهد. اگر در اثر وجود مرجع داوری و در رأس آن ورود شخصی به نام داور از نهایت اختلاف منجر به صدور گزارش اصلاحی گردد مرجع داوری اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید و یک سند رسمی را به افراد تحویل می‌دهد و از نظر ارزش اثباتی و قانونی این گزارش قطعی و غیرقابل تجدید نظرمی‌باشد و فوراً از طریق واحد محترم اجرای احکام حقوقی مستقر در دادگاه‌ها اجرا می‌شود البته در صورت وجود شرایطی می‌توان از دادگاه تقاضای ابطال رای داوری نمود. نهاد داوری اساساً یک توافق در ایجاد عدالت خصوصی از طریق یک مرجع غیردولتی است. باید دید نهاد داوری از چه ماهیتی برخوردار است. در رابطه با ماهیت نهاد داوری اتفاق نظر وجود ندارد و ماهیت این نهاد حقوقی مدت‌ها موضوع مناظره و چالش و اظهارنظرهایی بوده است که له و علیه آن صورت گرفته است. در این مورد چهار نظریه ماهیت قراردادی، ماهیت صلاحیتی، ماهیت مختلط و ماهیت مستقل یا خود آیین وجود دارد. پذیرش هر کدام از این نظریه‌ها می‌تواند آثار و نتایج متفاوتی بر داوری داشته باشد. (مافی و تقی پور درزی نقیعی، ۱۳۹۶)

از آنجائی که طرز فکر دادگاه‌های ملی در مورد داوری تجاری بین‌المللی بر جریان داوری تأثیرگذار است. ما بر آنیم که به این سؤال پاسخ دهیم که ماهیت نهاد داوری در قالب کدامیک از این چهار نظریه قابل توجیه است. ارزیابی نظریات چهارگانه با نگاهی به ماهیت و قلمرو اختیارات داوران، موقعیت آرای داوری و موضوع انتخاب قانون مناسب مورد بررسی قرار می‌گیرد. یافته‌های این مقاله حاکی از این است که نهاد داوری واجد هر دو اثر قراردادی و قضایی است که این امر به نوبه خود انعکاسی از توافق طرفین و حاکمیت قانون محل برگزاری داوری است. در این نظریه عناصر صلاحیتی و قراردادی داوری به طور جدایی‌ناپذیر درهم‌تنیده شده است.

اهمیت پژوهش

افزایش روزافزون پرونده‌های قضایی در کنار پیچیدگی‌های اجتناب‌ناپذیر فرایند قضایی که موجب طولانی شدن دادرسی شده است در بسیاری از موارد نارضایتی مردم را به همراه دارد. این درحالی است که کم نیستند؛ پرونده‌هایی که به سبب ماهیت اختلاف و یا پیش پافتناده بودن آن به سادگی قابل حل در فرایند داوری هستند، و ضرورتی وجود ندارد؛ که حتماً تمامی فرایند قانون دادرسی در مورد آنها به اجرا گذاشته شود. به طوری که از طریق داوری این امکان وجود دارد که بسیاری از اختلافات در مدت زمان بسیار کوتاه‌تری حل و فصل شود. اما نهاد داوری در جمهوری اسلامی ایران قوانین پراکنده دارد و این قوانین ایرادات

وخلأهایی نیز دارند. که به نظر می‌رسد، نیاز است که این قوانین باید در یک قانون جامع تجمیع شود و متولی نظام‌دهی این نهاد نیز مشخص گردد.

مفاهیم و واژه‌ها

«داوری»: حل‌وفصل اختلاف اشخاص به وسیله داور یا داورانی که مستقیم یا غیرمستقیم بر اساس توافق طرفین انتخاب می‌شوند؛

«موافقتنامه داوری»: توافق کتبی طرفین بر ارجاع اختلاف موجود یا احتمالی ناشی از یک یا چند رابطه حقوقی معین قراردادی یا غیر قراردادی به داوری؛

«داور»: شخص ثالث حقیقی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی طرفین به منظور حل‌وفصل اختلاف انتخاب می‌شود؛ «داوری حرفه‌ای و داوری غیر حرفه‌ای»: در صورتی که داوری با اخذ پروانه بر اساس مقررات این قانون باشد، داوری حرفه‌ای و در غیراین صورت داوری غیر حرفه‌ای است؛

«داور واحد» و «هیأت داوری»: هرگاه حل‌وفصل اختلاف به عهده یک شخص حقیقی باشد «داور واحد» و اگر به عهده چند شخص حقیقی باشد «هیأت داوری» است. در این قانون کلمه «داور» اعم از «داور واحد» یا «هیأت داوران» یا «هر یک اعضای هیأت داوری» است؛

«داوری بین‌المللی» و «داوری داخلی»: داوری در صورتی بین‌المللی است که در زمان انعقاد موافقتنامه داوری یکی از طرفین به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد یا اقامتگاه یکی از طرفین خارج از ایران بوده و یا اختلاف مربوط به روابط حقوقی ناشی از مبادله کالا یا خدمات یا سرمایه از کشوری به کشور دیگر یا محل اجرای قرارداد خارج از کشور اقامتگاه یکی از طرفین باشد، در غیر این صورت داوری داخلی است؛

«سازمان داوری»: شخص حقوقی دارای قواعد و آئین داوری که مطابق ماده ۱۱۶ تشکیل شده و موضوع فعالیت اصلی آن انجام امور اداری مرتبط با داوری و ساماندهی و نظارت بر آن است؛

«داوری سازمانی» و «داوری موردی»: داوری وقتی سازمانی است که حل اختلاف به سازمان داوری محول شده باشد، در غیر این صورت داوری موردی است؛

«مقام ناصب»: دادگاه یا هر شخص حقیقی یا حقوقی است که به موجب قانون یا توافق طرفین تعیین داور به عهده اوست. هرگاه طرفین حل اختلاف خود را به شخص حقوقی یا مقام‌های رسمی به اعتبار مقام ایشان ارجاع نمایند، از نظر این قانون شخص یا مقام مزبور مقام ناصب محسوب می‌شود؛

«دادگاه صالح»: در داوری‌های داخلی دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد و در داوری‌های بین‌المللی دادگاه حقوقی واقع در مرکز استانی که مقر داوری در آن قرار دارد و دادگاه حقوقی تهران در مواردی که مقر داوری مشخص نشده یا مقر داوری خارج از ایران باشد، دادگاه صالح است. رسیدگی به دعوی مربوط به داوری در شعبه‌های تخصصی صورت می‌گیرد.

«مؤسسه داوری ناظر»: ارتباط و نظارت مرکز بر داوران حرفه‌ای از حیث مسایل آموزشی، حضور در جلسات، داوری الکترونیک و سایر مؤلفه‌ها به واسطه یکی از مؤسسه‌های داوری صورت می‌گیرد که از این حیث، مؤسسه ناظر نامیده می‌شود.

اهداف و اصول کلی داوری

- ۱- هدف از داوری دستیابی به حل و فصل عادلانه اختلافات توسط داور مستقل، بی طرف، با کمترین هزینه و در سریع ترین زمان ممکن است؛
- ۲- داوری حاصل تراضی طرفین در ایجاد عدالت از طریق یک مرجع غیردولتی است که در چارچوب قانون از قدرت اجرایی برخوردار است؛
- ۳- طرفین می توانند جز در موارد قواعد آمره و ممنوعیت های قانونی در مورد چگونگی حل و فصل اختلافات مدنی خود مانند نصب داور، تعیین مقر داوری، قواعد و آئین حاکم بر جریان رسیدگی، نحوه ابلاغ و هزینه های داوری توافق نمایند؛ دخالت و نظارت دادگاه در امور راجع به داوری محدود به موارد مصرح قانونی است؛

ماهیت نهاد داوری

در مورد ماهیت نهاد داوری چهار نظریه مختلف وجود دارد: داوری قراردادی است که با قصد و رضای طرفین منعقد می شود و طرفین دعوا متعهد می شوند که حل و فیصله منازعه و اختلاف خود را به شخصی غیررسمی واگذار کنند. یکی از پرسش های اساسی در داوری، مسئله ماهیت حقوقی داوری است. به عبارت دیگر باید دید داوری دارای چه نوع ماهیتی است؟ در واقع، مشخص شود که مرجع داوری اختیار استماع و اتخاذ تصمیم نسبت به دعوی را از کجا اخذ کرده است؟ داوری گاهی به یک عمل قراردادی نزدیک می شود و گاهی به یک عمل قضایی و یا شبه قضایی که هر کدام از این حالات، می تواند اثرات مختلفی را بر داوری و داوران و رأی داور داشته باشد؛ زیرا اگر ماهیت داوری قراردادی باشد، طرفین اختلاف، اصولاً خواهند توانست با توافق، هر گونه اختلافی را به داور منتخب خود واگذار نمایند.

هدف از داوری قراردادی یا اختیاری این است، که طرفین اختلاف با توافق هم تصمیم بگیرند که دعوای بین آنها به وسیله داوری انجام شود و شخص یا اشخاصی را به عنوان داور یا داوران انتخاب کرده و خود را تابع حکومت آنان در امر مورد اختلاف قرار دهند. در نظریه قراردادی، داوری نهادی است که ریشه در قرارداد فی مابین طرفین دارد و می باید مطابق تمایل آنان مدیریت شود. اگر ماهیت نهاد داوری، صلاحیتی باشد، داوری یک روش شبه قضایی است که ریشه در قرارداد طرفین دارد. بر طبق نظریه مختلط که ماهیت داوری را ترکیبی از نظریه های قراردادی و صلاحیتی می داند از یک سو طرفین برای انعقاد یک قرارداد داوری و انتخاب داوران، آزادند و انتخاب قانون حاکم مبتنی بر ماهیت قراردادی داوری است و از سوی دیگر، نقش قضایی داوری مربوط به جریان رسیدگی داوری و اعتبار توافقنامه داوری است که منوط به رعایت قواعد آمره و نظم عمومی محل داوری است. به موجب این نظریه، نهاد داوری یک شیوه دومرحله ای است که در مرحله اول جنبه خصوصی دارد و کاملاً متکی به اراده طرفین است. در مرحله دوم یا مرحله اجرای رأی، داوری واجد ویژگی عمومی می باشد که مستلزم نظارت دولت بر داوری است. در نتیجه، داوری مفهومی است که در آن منشأ قراردادی و غایت صلاحیتی با یکدیگر همزیستی دارند.

(Berger, Klaus Peter, 2007)

بر مبنای نظریه مستقل یا خودآیین، نهاد داوری شیوه ای خود انتظام، خود اختیار و متکی به خود در معاملات تجاری بین المللی به شمار می رود و منظور از آن اجرای اهداف جامعه تجار در سراسر جهان است. در این قسمت، پس از تعریف و توضیح هر یک از نظریه ها، به اثر پذیرش هر یک از آنها در موقعیت داوران، ماهیت آراء داوری و انتخاب قانون مناسب می پردازیم. توجه به این نکته ضروری است که هیچ یک از نظریات مطروحه از لحاظ نظری و عملی حمایت جهانی یا حتی

منطقه‌ای را به خود جلب نکرده است و کشورها هر یک به فراخور نظام حقوقی خود برداشتی متفاوت از ماهیت داوری دارند. (Lew Julian et al, 2013)

قرارداد داوری

قرارداد داوری توافقی است، بین طرفین که اساس کار داوری بر آن مبتنی است. به همین جهت، شرایط عمومی قراردادها در مورد آنها قابلیت اعمال را دارد. قرارداد بین داور و طرفین اختلاف داور را مکلف می‌سازد؛ که اقدامات ضروری را در جریان داوری به عمل آورد. صرف‌نظر از این مطلب، هدف چنین قراردادی واگذاری اختیار به اشخاص ثالث برای تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف طرفین است. درحالی‌که قرارداد داوری منعقد شده بین طرفین دعوی مقدمه جریان رسیدگی داوری است، قرارداد لاحق بین داور و طرف‌های اختلاف وسیله‌ای در اجرای قرارداد سابق بین اطراف اختلاف محسوب می‌شود. قرارداد داوری به تنهایی برای آغاز رسیدگی‌های داوری کافی نیست. به منظور انجام داوری، داور تعیین شده به وسیله طرفین در قرارداد یا بعد از آن می‌باید موافقت خود را با این انتخاب اعلام نماید. (Rubio et al., 1990)

رایج‌ترین روش‌های جایگزین حل‌وفصل اختلاف

۱- داوری

داوری به فرآیندی اطلاق می‌شود که طرفین اختلاف به فرد یا افراد ثالثی اختیار و صلاحیت می‌بخشند که به اختلاف یا اختلافات مورد نظر رسیدگی کرده و همانند قاضی آنها را فیصله داده و رای لازم‌الاجرا صادر نمایند. (شیروی، ۱۳۹۴: ۷)

داوری یکی از روش‌های حقوقی حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی است. داوری دارای سابقه دیرینه می‌باشد و در سیستم حقوقی داخلی نیز مورد استقبال قرار گرفته است و بطور گسترده‌ای از آن استفاده می‌شود. تقریباً تمام نویسندگان کلاسیک حقوق بین‌الملل از ویتوریا و سوارز تا گروسیوس و واتل داوری را مورد تأیید قرار داده‌اند. برخی از نویسندگان به ویژه گروسیوس حتی از داوری اختلافات از سوی مجالس یا کنفرانس‌های قدرت‌های مسیحی حمایت می‌کردند. (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶: ۱۱۳)

شیوه داوری این امتیاز را دارد که به متنازعیان امکان می‌دهد داوران مطلوب خود و قانون حاکم بر رسیدگی را برگزینند و بدین‌سان به تخصص‌های لازم در حوزه موضوع نزاع دست یابند. (نیکبخت، ۱۳۸۲: ۱۲)

امروزه مراکز متعددی در سطوح ملی و بین‌المللی برای حل‌وفصل اختلافات اقتصادی تشکیل شده است. هریک از این مراکز داوری، دارای آیین دادرسی و قواعد داوری مختص به خود هستند. برای نمونه، «اتاق بازرگانی بین‌المللی»^۱، «انجمن داوری آمریکا»^۲، «اتاق داوری از جمله نهادهای لندن» و «مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی»^۳ متشکل و مشهور داوری در سطح جهان به شمار می‌آیند. همچنین، در سطح منطقه‌ای بر اساس ویژگی‌های بومی منطقه، مراکز داوری برای فیصله اختلافات تجاری و اقتصادی ایجاد گردیده‌اند.

^۱ . international chamber of commerce

^۲ . American arbitration association

^۳ . international center for settlement of investment disputes

۲- مذاکره

مذاکره یکی از قدیمی‌ترین، معمول‌ترین، آسان‌ترین، متداول‌ترین و مؤثرترین گزینه برای حل اختلافات است. مذاکره روش مستقل حل اختلافات بوده و هدف از آن، پیدا کردن راه‌حل خلاقانه‌ایی است که موجبات رضایت طرفین را جلب نموده تا هریک از آنان بتوانند منافع خود را حفظ کنند. (عرفانی، ۱۳۸۵: ۳۰)

مذاکره معمولاً مستلزم این معنی است که طرفین با حُسن نیت گفتگو کنند، به نحوی که چشم‌اندازی از موفقیت در حل اختلاف و حصول نتیجه وجود داشته باشد. (همان: ۲۵)

۳- تلاش‌های نیک (مساعی جمیله)

محدودترین شکل مداخله شخص ثالث برای حل و فصل اختلاف، روش مساعی جمیله است. در این روش حل اختلاف، شخص یا قدرت ثالثی که در اختلاف ذی‌نفع نباشد، می‌کوشد که زمینه‌های تفاهم بین دو کشور را فراهم آورد و به طور محرمانه پیشنهادهای خود را به طرفین اختلاف بقبولاند و طرفین اختلاف را به مذاکره رو در رو ترغیب نماید بدون آن که خود مستقیماً در مذاکرات دخالت داشته باشد. (فرحسا، ۱۳۸۳: ۲۱۳) به عبارت دیگر، شخص ثالثی (یا یک دولت ثالث) طرفین را به مذاکره یا از سر گرفتن مذاکره قبلی تشویق و ترغیب نماید و یا طریق تماس و مراوده دیگری در اختیار ایشان قرار دهد. دولت ثالث ممکن است به ابتکار خود یا به درخواست یکی یا هر دو طرف اختلاف، دست به مساعی جمیله بزند. (فورگ، ۱۳۸۲: ۳۴)

تلاش نیک برحسب زمان و موقعی که بکار گرفته می‌شوند، ممکن است دارای دو هدف باشند: یکی هدف پیشگیرانه به منظور جلوگیری و اجتناب از بروز برخورد مسلحانه و حل مناقشه بین‌المللی و دیگری، هدف پایان‌بخشی به منظور پایان دادن به اختلاف میان طرفین می‌باشد. (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶: ۷۵)

۴- میانجی‌گری

میانجی‌گری شیوه‌ای ارادی، غیرالزام‌آور، محرمانه و با آیین منعطف برای حل اختلاف است که در آن میانجی بی‌طرفی به درخواست طرفین برای رسیدن به نتیجه‌ای تلاش می‌کند که برای هر دوی آنها رضایت‌بخش باشد. فرآیند میانجی‌گری مستلزم مشارکت شخص ثالثی است که میانجی نامیده شده و به طرفین جهت حصول به یک توافق دوجانبه یا آزاد کمک می‌کند. اختیار تصمیم‌گیری در این فرآیند با طرفین است. به علاوه، میانجی هیچ قدرتی برای تحمیل یک راه‌حل به اطراف دعوی ندارد و نیز هر یک از طرفین دعوی می‌توانند هر زمان که بخواهند و در هر مرحله‌ای از رسیدگی و قبل از امضاء راه‌حل مورد توافق، از ادامه کار صرف‌نظر نمایند. در واقع، میانجی شخص بی‌طرفی است که سعی در حل و فصل اختلافات طرفین می‌نماید. از حیث ماهوی، میانجی از قاعده خاصی تبعیت نمی‌کند. خصوصیت اصلی میانجی‌گری این است که می‌تواند میانجی‌گری را نپذیرد و این که دولت‌های ثالث در مورد پذیرش پیشنهادهای میانجی اجباری ندارند و نظر میانجی الزامی و اجباری نیست. (محبی، ۱۳۸۶)

به عبارت دقیق‌تر، برای حل اختلاف معمولاً میانجی بر اساس آنچه طرفین به او می‌گویند، پیشنهاد حل و فصل غیررسمی هم می‌دهد. هدف از چنین پیشنهاداتی نیز یافتن راه‌حل مؤثری برای رفع منازعه است و به همین جهت، لازم نیست دقیقاً با حقوق قانونی متنازعین منطبق و همسو باشد. میانجی‌گری امری است اختیاری، یعنی هم از لحاظ میانجی‌گری و هم از نظر طرفین اختلاف بدین معنا که هیچ دولتی مجبور به میانجی‌گری و دخالت در حل اختلاف طرفین نیست و طرفین هم مجبور

به قبول میانجی‌گری نیستند. به عبارت دیگر، پیشنهادهای میانجی‌گر جنبه توصیه داشته و طرفین در پذیرش یا رد آن آزاد خواهند بود. (صلح‌چی و نژندی‌منش، ۱۳۹۶، ۸۵)

۵- کارشناسی

با توجه به پیچیدگی قراردادهای بین‌المللی اقتصادی، طرفین قرارداد ترجیح می‌دهند که برخی از اختلافات فی‌مابین را از طریق ارجاع به کارشناسی حل‌وفصل کنند. چرا که اختلافات عمدتاً حل‌وفصل اختلافات جنبه فنی و حرفه‌ای دارد و مستلزم اظهارنظر حقوقی و قضایی صرف نیست. چنانچه در قراردادهای پیمانکاری، تجاری، سرمایه‌گذاری و موافقتنامه‌های بانکی بین طرفین اختلاف بروز کند، بسته به نوع اختلاف معمولاً نظر کارشناسان بانک جهانی (WB) یا کارشناسان فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور^۴ FIDIC و سازمان حسابرسی بین‌المللی اخذ می‌شود. یا چنانچه اختلافی در مورد کیفیت خدمات ارائه شده بروز کند، نظر یک نهاد کارشناسی دارای صلاحیت در سازمان‌ها و شرکت‌های تخصصی فصل الخطاب خواهد بود. معمولاً مراجعه به کارشناس و کسب نظر وی از قبل در قراردادها پیش‌بینی می‌شود و یا ممکن است متعاقب بروز اختلاف مورد موافقت طرفین قرار گیرد. در این قراردادها، اولین مسئله‌ای که طرفین بر روی آن اتفاق نظر پیدا می‌کنند، نوع اختلاف است که قابل ارجاع به کارشناسی است؛ و دومین موضوع تعیین کارشناس (حقیقی یا حقوقی) است که رسیدگی اختلاف به وی محول می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۸: ۳۳۶)

۶- روش کدخدامنشی و سازش

کدخدامنشی و سازش معمولاً نسبت به میانجی‌گری رسمی‌تر و یک گام قبل از مرحله داوری است، زیرا مشتمل بر یک روند رسمی است که در آن سازش‌دهندگان، موضوع نزاع را مورد تحقیق و بازرسی قرار می‌دهند. سپس، برای حل موضوع، پیشنهادات رسمی به طرفین ارائه می‌کنند. (نیکبخت، ۱۳۸۲: ۵۴)

این روش دارای مشخصه‌هایی بدین شرح است که نخست- هر کدام از طرفین باید نمایندگان تام‌الاختیار خود را برای نشست دادرسی خصوصی معرفی نمایند که بتوانند در همان جلسه تصمیم نهایی را اتخاذ کنند. بدین جهت، معمولاً یکی از مدیران ارشد انتخاب می‌شود که بتواند در جلسه تصمیم لازم را بگیرد و ضرورتی به تعویق تصمیم‌گیری و کسب نظر مقامات بالاتر وجود ندارد. دوم- جلسه دادرسی در حضور فرد ثالث بی‌طرف برگزار می‌گردد. (شیروی، ۱۳۹۴: ۶۵)

نقش اطلاع دادرسی باوجود داوری

عده زیادی از حقوقدانان معتقد هستند که کاهش زمان دادرسی به‌تنهایی از عهده قاضی بر نمی‌آید و غیرممکن است. سرعت رسیدگی‌های قضایی از دیرباز ضرورتی مورد اتفاق در میان دکترین بوده و از مبانی هر نظام حقوقی توسعه‌یافته‌ای به شمار می‌رود. این مهم که به‌ویژه از اصلی‌ترین دغدغه‌ها در حوزه دادرسی است ناظر به الزاماتی در جهت تسریع در دادرسی به‌منظور رعایت حقوق متهم، حفظ اعتبار و کاهش هزینه‌های دادرسی و بازی زمانی کمتر است. در این راستا افزایش نیروی انسانی، استفاده از کادر آموزش‌دیده در حوزه جرائم تخصصی، جرم‌زدایی از برخی عناوین مجرمانه به‌منظور کاستن از حجم تورم

^۴ . International Federation of Consulting

کیفری و نیز واگذاری بخشی از رسیدگی‌ها به نهادهای خارج از صلاحیت تام قضایی تحت مبانی سیاست قضا زدایی، به‌عنوان راهکارهای مؤثر قابل بررسی می‌باشند.

رسیدگی‌های قضایی به دلیل پیچیدگی‌های دادرسی و نیز حجم زیاد پرونده‌های در گردش طولانی است. طولانی بودن رسیدگی در محاکم قضایی موجب سرگردانی مردم می‌شود. علاوه بر آن به صلاح جامعه و خانواده نیست. طولانی شدن دادرسی در دعاوی خانوادگی موجب تیره شدن روابط در خانواده و بروز مشکلات حادث می‌شود. بنابراین اصلاح قانون باهدف توسعه قلمروی داوری همراه با رفع معایب مقررات موجود به مصلحت بوده و اقدامی در مصالح خانواده و جامعه و دستگاه قضایی می‌باشد. (هدایت نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۳)

این موضوع به خاطر تضييع حقوق عمومی افراد باعث نارضایتی عمومی یا بعضاً کاهش اعتماد به دستگاه قضایی، کاهش عدالت و امنیت در سطح کشور، تراکم پرونده‌ها در مراجع قضایی و مهم‌تر از همه به خاطر ایجاد فاصله بین کیفر و عمل مجرمانه اثر بازدارندگی مجازات را کاهش می‌دهد.

نتایج

در دنیای کنونی و در کشاکش روابط گسترده و پیچیده اجتماعی و اقتصادی، بروز اختلافات امری طبیعی و غیرقابل اجتناب است. تجربه تاریخی گویای انتخاب نهاد داوری به عنوان یک روش حل اختلاف برتر و بهتر می‌باشد. البته هدف غایی و مقصود، رعایت عدالت در همه ابعاد آن می‌باشد و این معنا به عنوان هدف راهبردی همواره ملحوظ نظر طرفداران انواع روش‌های حل اختلاف است و هر یک از آنها با روش‌ها یا تکنیک‌های انتخابی امیدوار نیل به عدالت مطلوب می‌باشند. تنها دو روش قضایی و داوری منتهی و منتج به صدور رأی یا حکم می‌گردد. در روش قضایی اعتقاد بر این است که نباید دقت را فدای سرعت کرد و فرایند دادرسی شامل مراحل مختلف رسیدگی مانند بدوی، وخواهی، تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث می‌باشد و رسیدگی‌های متعدد، در واقع اهتمام بر احقاق حق و ارتقای کیفیت، نص‌العین دستگاه قضایی است. از طرف دیگر حامیان روش دیگر حل اختلاف یعنی داوری معتقدند نهاد داوری به دلایل دارا بودن امتیازات انحصاری همچون هزینه کمتر و رعایت اصل سرعت به عنوان فاکتور تعیین کننده در جهان تجارت و اقتصاد و اجتناب از تشریفات زائد و جایگاه قراردادی و پایگاه توافقی داوری، آن را به آلترناتیو مناسب و بهترین بدیل روش قضایی تبدیل کرده است.

مهمترین شاخصه و ویژگی آرای داوری اصل قطعی بودن آرای داوری است. این مهم محصول حقوق نوین داوری است که در سطح جهانی تثبیت گردیده و مورد تأیید اکثر نظام‌های حقوقی و قواعد و مقررات بین‌المللی قرار گرفته است. در تقسیم‌بندی ادوار تاریخی داوری می‌توان گفت: که دوره اول داوری به دوران سنتی و تاریخی داوری و قبل از قرن بیستم اطلاق می‌گردد؛ که متناسب با روابط ساده جوامع ساده بشری بوده است. با گذر زمان و توسعه فعالیت‌های بازرگانی وارد دوره دوم تاریخی شده‌ایم، که ویژگی بارز آن پیدایش مقررات و قواعد داوری و خصوصاً خصوصیت قطعی بودن آرای داوری در سطح جهانی است. دوره آتی، حقوق نوین داوری است که از چهره پیشرفته‌تری برخوردار بوده و احیاناً انجام داوری‌ها را به هوش برتر مصنوعی و سایر نرم‌افزارهای رایانه‌ای خواهد سپرد.

از مهمترین اوصاف حقوق آرای داوری ابتناء قراردادی و غیردولتی و غیرقضایی بودن آنها است. علاوه بر تحلیل حقوقی مبانی قطعیت آرای داوری، مجموعاً رویکرد قانونگذاران داخلی و بین‌المللی حاکی از قطعی بودن آرای داوری است. روی هم رفته قواعد داوری مراکز ملی و بین‌المللی داوری نیاز حکایات از داوری یک مرحله‌ای و غیرقابل تجدیدنظر بودن آرای داوری دارد که

دلیل و مستندات آنها بیان گردید. مع الوصف به طور استثنائی تجدیدنظر در آرای داوری در صورت تصریح در موافقتنامه داوری و وفق قانون شکلی حاکم بلامانع است، هرچند که در اکثر موافقتنامه‌های داوری در این خصوص با فقدان نص صریح مواجهیم، لیکن در موارد قانونی قابلیت اعتراض به رأی داوری، صدور قرار توقف مانع از اجرای حکم خواهد بود. بنابراین فرایند داوری (برخلاف پروسه قضایی که معمولاً دو مرحله‌ای است، بدوی و تجدیدنظر) یک مرحله‌ای است و قابل واخواهی و تجدیدنظر و فرجام‌خواهی و غیره نیست. البته در مواردی که ارکان داوری دچار اشکال و ایراد است و در مواردی چون مخالفت با قوانین موجد حق یا بی‌اعتباری قرارداد یا سایر موارد قانونی تدابیری اندیشیده شده است تا با درخواست ابطال یا بطلان رأی داور، رأی صادره را بی‌اعتبار کرد. در قوانین حاضر، نواقص و اشکالات زیادی در مقررات مربوط به داوری وجود دارد و در عمل طرفین و داور نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. از معایب مقررات فعلی اینکه معمولاً پس از صدور رأی داوری، محکوم‌علیه حتی بدون داشتن دلایل کافی یا مستندات داوری جدید به رأی صادره به عنوان درخواست رأی داوری اعتراض نموده و اختلافات فی‌مابین مجدداً در محاکم و نوعاً به نحو ماهوی (برخلاف قانون) مورد رسیدگی قرار گرفته که موج اطلاع بیشتر رسیدگی و تداوم اختلاف است. همچنین از دیگر اشکالات مقررات داوری اینکه بیشتر دعاوی چون ورشکستگی و دعاوی خانوادگی و نیز دعاوی راجع به اموال عمومی قابل ارجاع به داوری نمی‌باشد و نبود قوانین کارآمد و به‌روز و عدم تحوّل لازم در مقررات و نیز عدم فرهنگ‌سازی از دیگر مشکلات نهاد داوری است که پیشنهاد می‌گردد؛ موارد مزبور در تصویب لایحه جدید داوری در مجلس شورای اسلامی مطمح نظر حقوق دانان و متخصصان حقوق داوری و نمایندگان مجلس قرار گیرد.

منابع:

- ۱- حسینی، علی. ۱۳۹۸. قراردادهای «کلید در دست» احکام و آثار آن در فقه و حقوق موضوعه، رساله دکتری رشته فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری.
- ۲- صحرایی ده‌مجنونی، عادل و فلاح، محمدرضا، ۱۳۹۶. بررسی ماهیت داوری در نظام حقوقی ایران، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، میبد، <https://civilica.com/doc/798965>
- ۳- مافی، همایون؛ تقی پور درزی نقیبه، محمد حسین. ۱۳۹۶. ماهیت حقوقی داوری. پژوهش حقوق خصوصی، ۶(۲۱)، ۱۷۷-۲۰۴. doi: 10.22054/jplr.2017.8140
- ۴- شیروی، عبدالحسین. ۱۳۹۴. داوری تجاری بین‌المللی، چاپ پنجم، تهران/ک انتشارات سمت.
- ۵- صلح‌چی، محمدعلی؛ نژندی‌منش، هیبت‌الله. ۱۳۹۸. حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ هفتم؛ تهران.
- ۶- عرفانی، محمود. ۱۳۸۵. طرق جایگزین حل‌وفصل دعاوی در حقوق تجارت، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۳.
- ۷- فرحسا، فرح. ۱۳۸۳. داوری تجاری بین‌المللی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- ۸- فورگ، اریک‌کانال. ۱۳۸۲. رویه حل‌وفصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، ترجمه معصومه سیف‌افجه‌ای، سفارت جمهوری اسلامی ایران، بروکسل.
- ۹- محبی، محسن. ۱۳۶۸. آئین حل‌وفصل اختلافات جهانی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۷.
- ۱۰- نیکبخت، حمیدرضا. ۱۳۸۲. نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۷.

- 1- Berger, Klaus Peter, (2007), Re-examining the Arbitration Agreement: Applicable Law-Consensus or Confusion? In Albert Van Den Berg (ed), International Arbitration 2006: Back to Basics? ICCA Congress Series 2006 Montreal 13, Kluwer Law International.
- 2- Lew, Julian, Loukas A. Misteles, Stefan M. Kroll, (2003), Comparative International Commercial Arbitration, Kluwer Law International.
- 3- Rubio-Sammartano, Mauro, (1990), «International Arbitration
- 4- Law, Kluwer Law and Taxation Publishers», Netherlands.